



۲۰۱۹/۰۵/۱۰



مرجان کمال

جنگ میراثی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت سیزدهم



رفتی کنون تو از برم شد دین ایمان رهبرم
تو دین و ایمان منی ای دختر ناز پرورم



ارزش ها، رسم و آیین (ethos) به حیث سلوک و روش (habitus) و ریفرانس یا مراجعه به آن: رسوم و آیین که جای مرکزی در تعریف نمودن ریفرانس ها دارد، تنظیم کننده پروسس یک عکس العمل در مقابل عمل (تأثیرات متقابل) بین بازیگران اجتماعی می باشد. در حقیقت تشکیلات ارتباطات بین مرد ها و زن ها را مشخص می سازد، که از نظر اجتماعی مؤقف خواهر بودن و خانم بودن شان شناخته شده، و مظهر عزت و ناموس مردان می باشند.

اصطلاحات ناموس (nâmus) و ننگ (nang) تقریباً عین معنی را دارد، اولی مشخصاً به غرور یک مرد توسط الگو و نمونه بودن خانم هایش از تمام نقاط نظر، مخصوصاً اخلاقیات ارتباطی می گیرد و دومی نمونه و

الگوی ایست که همراهی آن اداره می‌گردد و رابطه قوت و قدرت جهت حفظ نمودن ارزش‌ها و همبستگی گروپ بشمار میرود.

شرم و بدنامی تمام اشخاصی را که در وظایف حفظ و نگهداری از ارزش‌ها، مخصوصاً جهت نگهداری و حفاظت از خانم‌هایشان ضعف نشان دهند، در بر می‌گیرد. وسعت بدنامی و بی‌غیرتی تمام خانواده (عین‌نسب) را در بر گرفته و متأثر می‌سازد. به این ترتیب شرم و بدنامی یک نقطه اتصال یک فرد با گروپ می‌باشد.

بر علاوه هر نوع ضعف فردی موازنه مجموعه گروپ را که توسط بدنامی صدمه دیده اند، تهدید به خارج گردیدن از گروپ می‌گرداند، و احیا دوباره حیثیت با تصویب یک حکم اجباری و پرداخت جریمه امکان‌پذیر می‌باشد.

مفهوم حیثیت و آبرو، شیوه و طرز تقسیم غنا و منابع تولیداتی را بین اعضای یک گروپ تنظیم می‌نماید، مگر این که هر نوع ثروت اندوزی افراطی یا بیش از اندازه و یا کوتاهی از مکلفیت تقسیمات دوباره توسط متمولین و ثروتمندان خطر تخریب نمودن موازنه بین اعضای مختلف یک نسب، دلالت بر غایب بودن از متمایز بودن وی می‌نماید. همچنین حیثیت و آبرو یک نقطه اتکاء بی‌اساسی در بسیج نمودن سیاسی در یک وضعیت توهین آمیز و بحرانی مشخص گردیده، و به صفت یک ریفرانس (cadre - maitre) برای صادر نمودن یا اظهار داشتن شکایات و اتهامات به کار برده می‌شود.

سلوک و روش سیاسی نماینده‌های مناطق که در ارتفاعات (کوه‌ها) قرار دارند و مناطق کم‌ارتفاع مانند جا‌های هموار و دره‌ها، که این دو منطقه را یک به مقابل دیگر قرار می‌دهد، بیانگر یا ارائه‌کننده به این تقابل در محیط پشتون‌ها اصطلاح ننگ و قلنگ می‌باشد. در محیط ترک‌ها - فارسی‌زبان‌ها نیز این تقابل موجود بوده، و به این تقابل بیلاق و قشلاق (yalâq et qeshlâq) گفته می‌شود. و این تعیین‌کننده دو بخشی بودن محیط زیست بین چراگاه‌های مرتفع از یک طرف و زمین‌های هموار از طرف دیگر می‌باشد.

این دو بخش بودن در حوزه ساختارهای سیاسی نیز نمایان می‌باشد.

مناطق ارتفاعات پائین که دولت می‌تواند بالای آن کنترل سیاسی واقعی داشته و مالیه را جمع‌آوری نماید برخلاف مناطق ارتفاعات بلند که از دولت خود را مستقل دانسته و هر از نوع ساختارهای خارجی سیاسی و تشکیلات اجتماعی خود را دور نگهداری می‌نمایند. به این ترتیب دو جناح متقابل و مخالف ننگ و قلنگ و یا بیلاق و قشلاق بیانگر فرهنگ به یک ریفرانس، که تنظیم‌کننده ارتباطات دولت - جامعه می‌باشد، و اعتبار و تیرئه خود را در ارتباطات بین یک محیط زیست و بهره‌برداری از غنای طبیعی توجیه می‌دارند.

ارتباط مفهوم کلمه ناموس با اصطلاح ننگ معنی غیرت و غرور را می‌دهد که این ریفرنس در فرهنگ سیاسی جمعیت دهات و قصبات مانند یک وسیله، اجازه به مشخص نمودن مشروعیت یک شف یا رهبر و یا به شکل یک اعتراض سیاسی انعکاس می‌کند.

پروسس یا میکانیزم ایجاد برقراری سلسله مراتب و قشر بندی اجتماعی:

شجره نامه یا نسب نامه افاده پیوند اجتماعی:

ادمک (Adamec) در مورد محیط پشتون اشاره می کند: « زندگی نمودن یک گروپ یا کلان در عین محل خیل (khel) و از یک گروپ محدود از عین نسب کور (kor) نامیده می شود». «هر قسمت رهبر یا ملک خاص خود را دارند و قبیله های بسیار قدرتمند پیشنهاد کننده و تأمین کننده شف یا رهبر قبیله می باشند». در اکثر اوقات رهبران را، شف های عسکری که به سخاوت و دلاوری مشهور می باشند، تشکیل می دهند. شف ها توسط دایر نمودن جرگه ها (شورای مشورتی) دور هم جمع می شوند و در مورد امور روزمره زندگی اجتماعی (حل و فصل دعوی، و گرفتن تفاهیم سیاسی) فیصله می نمایند. هر یک از این کنفرسیون ها یا اتحادیه ها، گروپ های زیاد قبیله را جمع می نمایند و اکثراً توسط نام اجداد شان (eponyme) با اضافه نمودن پسوند زی (zai) یاد می گردند. (پسر یا فرزند فلانی). به این ترتیب اعضای یک گروپ یکی از دیگر نظر به تعلقات اجداد یا نسب شان شناسایی و تمام شان یکی به دیگری توسط عین جد ارتباط دارند. پس تشکیلات قبیله ای جامعه نمایانگر افاده ارتباط اجتماعی بین افراد از طریق استعمال ساحه ماحول خانوادگی می باشد. فلذا اهمیت نسب در بین تمام جمعیت و گروپ های قومی و حتی اکثر اوقات در نزد گروپ های غیر پشتون که جد خود را نمی شناسند و یا نمی توانند وابستگی های خود را به صورت مشخص معین کنند. (تشریح و توضیح وابستگی به یک قوم که توسط یک پسوند نشان دهنده نسب پدری می باشد). در داخل تمام گروپ های قومی شیوه عمل کرد اجتماعی از لا به لای منشور ارتباطات خانوادگی افاده می گردد. و در نتیجه زد و بند ها تولید سمبولیک مؤسسات رسمی و غیر رسمی که متضمن تنظیم نمودن جامعه و انتقال ارزش ها در دراز مدت می باشند. و به این ترتیب، تقسیمات به کتگوری ها سرحد روابط بین گروپ ها را مشخص می سازد.

ادامه دارد



marjan_kamal_jang_mirassi_13.pdf